

سوالات آزمون کتاب آزادی انسان (آسان)

فصل اول: کلیات آزادی معنوی و آزادی اجتماعی

1. چگونه انسان دارای دو «خود» و دو «من» عالی و دانی یا انسانی و حیوانی یا واقعی و غیرواقعی یا اصلی و فرعی و یا الهی و شیطانی است؟ آزاد و اسیر واقعی چه کسی است؟ چگونه انسان می‌تواند هم برده و اسیر خود باشد و هم از خود آزاد؟
2. آیا اصلاً «آزادی» یک امر ضروری و حیاتی برای زندگی بشر است یا اینکه صرفاً نیازی کاذب و امری فانتزی است که توسط مکاتب دست ساز بشری در چند قرن اخیر مطرح شده است که اوج آن را در گفتمان معاصر حقوق بشر می‌توان یافت؟
3. آزادی معنوی چیست؟ آزادی انسان از خودش یعنی چه؟ اینکه انسان از نظر فطرت و روح آزاد باشد به چه معناست؟
4. با توجه به اینکه انسان موجودی است که طبیعتاً اجتماعی است، آزادی اجتماعی یعنی چه؟ در مقابل آن اسارت و بردگی اجتماعی چگونه است؟
5. رابطه آزادی اجتماعی با آزادی معنوی چگونه است؟ آیا بشر می‌تواند آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی داشته باشد؟ آیا ممکن است بشر اسیر شهوت و خشم و حرص و آز خودش باشد ولی در عین حال آزادی دیگران را محترم بشمارد؟ اگر جواب منفی است آیا می‌توان آزادی‌های رایج دنیای غرب و مادی را انکار کرد؟ آزادی‌های دنیا کنونی چه توجیهی دارد؟
6. فکر می‌کنید جوامع سکولار غربی با چه مکانیسم‌هایی توانسته‌اند حس منفعت طلبی بشر را کنترل کرده و در نتیجه آزادی اجتماعی را فارغ از آزادی معنوی در جوامع خود محقق سازند؟ آیا این تلاش‌ها از یک پشتوانه استوار، محکم و دائمی برخوردار است؟
7. فلسفه حکم حجاب بر اساس انسان‌شناسی خود عالی و خود دانی چگونه قابل تبیین است؟

8. یکی از معانی کلمه مولا و ولی، «مُعْتِق و آزادکننده» است. اینکه پیامبر 6 فرمودند: « من كنت مولا فهدا علی مولا » مقصود از مولا چیست؟
9. اسلام و قرآن کریم چه جایگاهی برای آزادی اجتماعی قائل است. آیا می‌توان گفت آزادی اجتماعی از اهداف انبیاء بوده است؟ چگونه؟
10. عامل عدم رعایت آزادی توسط بشر قدیم چه بود؟ آیا صرفاً جهل و نادانی عامل ضایع کردن آزادی بوده است؟
11. علت اصلی عدم احترام به آزادی هم در دنیای قدیم و هم در عصر امروز چیست؟ وضعیت بشر امروز در رابطه با آزادی چگونه است؟
12. رابطه تقوی و آزادی را بیان نمایید؟
13. در نظام فکری شهید مطهری رابطه خودعالی و خوددانی را با آزادی- شادی و نشاط، هجرت و جهاد، تقوا، عبادت و دعا و بزرگی و بزرگواری روح تبیین نمایید؟ آیا همین که انسان های دیگر مانع آزادی ما نشوند، ما آزاد خواهیم بود؟(بعد از مطالعه کتاب آزادی بندگی، هدف زندگی)

فصل دوم: برخی مصادیق آزادی اجتماعی

1. بر چه اساسی باید در تنظیم روابط ما با دیگر دولتها نگاه ایدئولوژیک ما سایه افکند؟
2. آیا اعمال زور علیه حکومت و دولتهایی که ملت های تحت حکمرانی خود را به استضعاف کشانده و مانع آزادی تفکر و عقیده آنها شده اند، با این هدف که موانع موجود برداشته شوند و بتوان فضای آزاد تبلیغ ایجاد نمود، در عمل منجر به اعمال خشونت و کشتار افراد و مردم عادی نخواهد شد؟
3. تعریف و تمایز آزادی عقیده و مذهب و آزادی تفکر چیست؟ آیا در عالم واقع و در عمل می توان میان آنها تمایز قائل گردید و معیارهای عینی این تفکیک چه می باشد؟
4. این رویکرد که دین امری سلیقه ای و مربوط به وجدان شخصی فرد است - همانطور که انتخاب نوع خوراک، مسکن یا رنگ و شکل پوشش چنین می باشند - از منظر تعالیم اسلامی چگونه ارزیابی می شود؟

5. جایگاه تعقل و تفکر در اندیشه اسلامی چه می باشد؟ با توجه به اینکه این شبهه مطرح می باشد که اسلام در مقایسه با نظام های فکری غربی برای عقل جایگاهی قائل نمی باشد، تفاوت رویکرد غرب و اسلام نسبت به آزادی عقیده و آزادی تفکر و مبانی و ریشه دیدگاه غرب چه می باشد؟

6. معنای اختیار و اجبار در دین چیست؟ آیا به زور میتوان کسی را پایبند به اسلام کرد و این امر مطلوب اسلام است؟

7. اگر دین اجبار بردار نیست، پس بر چه اساس برخی اعمال و رفتارهای مغایر با تعالیم دینی از جمله: بی حجابی، خیانت در امانت، سرقت، توهین و افترا به افراد و غیره در قوانین و مقررات جرم انگاری و برای آنها مجازات تعیین شده است؟

8. آیا اساسا تسامح و تساهل مسلمین در مواجهه با عقاید مخالف مورد پذیرش است؟ و استراتژی اسلام برای برخورد با عقاید مخالف چه می باشد؟

فصل سوم: هجرت و جهاد

1. آیا می توان «هجرت و جهاد» را به عنوان دو مکانیسم کارآمد موثر جهت تضمین برخورداری انسان ها از آزادی معنوی و اجتماعی دانست؟

2. «هجرت و جهاد» را چگونه می توان با بحث «آزادی» از نگاه اسلام تطبیق داد؟

3. آیا می توان میان مفهوم «منتظر واقعی فرج» و مفهوم «مجاهد واقعی» ارتباط معنایی برقرار نمود؟

4. آیا ممکن است در جامعه مدرن معاصر به عنوان یک مسلمان دانش آموز، دانشجو، معلم، کارمند، معلم و استاد، پزشک، مهندس، اقتصاددان و غیره، به لحاظ خود مادی و دانی از زندگی موفقیت آمیزی برخوردار بود، و در تمامی این عرصه ها نیز در هر لحظه و در هر مکان، از منظر خود عالی به عنوان یک «مهاجر الی الله» و «مجاهد فی سبیل الله» موفق و پیشگام، از لذت زندگی انسانی و نه فقط حیوانی بهره جست؟

5. آیا از نظر اسلام، تمسک جستن به جبر محیط برای ارتکاب گناه و معصیت پذیرفته شده است؟ به تعبیر دیگر، آیا این عذر رایج که اوضاع و شرایط جوامع امروزی اقتضا می کند که مرتکب گناه و رفتارهای غیراسلامی شویم، از نگاه اسلام پذیرفتنی است؟

6. آیا انسان برای اینکه بتواند در مسیر سیر و سلوک الی الله حرکت کند و نهایتاً به مقام قرب نایل گردد، فقط باید به طور درونی مراتب اخلاقی را طی کند و سلوک معنوی داشته باشد بدون اینکه نیاز باشد از هجرت چیست؟ آیا هجرت در جوامع اسلامی امروز نیز وجود دارد یا تنها مختص زمان پیامبر(ص) بوده است؟

7. چه چیزی هجرت واقعی از نگاه اسلام را از سایر مسافرت‌ها و مهاجرت‌ها متمایز می‌کند؟ به طور نمونه، آیا کوچ کردن از وطن برای برخورداری از شرایط زندگی بهتر (ولو اینکه ارتکاب گناه هم صورت نپذیرد) و یا مهاجرت برای بهره‌مندی از تحصیلات آکادمیک مطلوب‌تر، فی‌نفسه مشمول مفهوم مهاجرت از نگاه اسلام می‌شود؟

8. تکلیف ما در ارتباط با عادات و آداب و رسوم اجتماعی چیست؟

9. مهاجرت عبارت است از حرکت کردن و کوچ کردن از جایی به جای دیگر برای حفظ و نجات ایمان، حال سوال که ممکن است مطرح شود، اینکه آیا مسلمان باید همواره در مواجهه با آلودگی محیط پیرامون خود، مبادرت به مهاجرت نمایند، پس در این میان تکلیف امر به معروف و نهی از منکر چه می‌شود؟

10. آیا اساساً صحیح است که در متن یک دین و در متن قانون آن، قانون جنگ وجود داشته باشد یا نه؟

11. ماهیت جهاد چیست؟ آیا دفاع است یا تجاوز؟

12. گفته شده است که یکی از وجوه امتیاز و برتری مسیحیت بر اسلام این است که مسیحیت مطلقاً جنگ را ممنوع کرده ولی در اسلام نه تنها این ممنوعیت وجود ندارد، بلکه قانون جنگ هم وضع شده است، این گفته را چگونه می‌توان تبیین نمود؟

13. یکی از مهمترین اشکال‌های مسیحیان به اسلام تجویز و بلکه تشویق و تقدیس حکم جهاد و جنگ است؟ چرا در اسلام چنین حکمی وضع شده است؟ آیا اسلام دین خشونت و جنگ نیست؟ درآموزه‌های اسلام صلح بهتر است یا جنگ؟

14. از دیدگاه قوانین اسلامی، در صورتی که اهل کتاب مبادرت به پرداخت «جزیه» به حکومت اسلامی بنماید، جنگ کردن با آنها مجاز نیست، «جزیه» چیست و فلسفه آن چه می‌باشد؟

15. اگر اسلام جهاد را برای دفاع از ارزش‌های انسانی می‌داند پس چرا با گرفتن پول به عنوان جزیه دست از جهاد برمی‌دارد؟

16. آیا گرفتن «جزیه» از اهل کتاب همان باج گرفتن نیست؟ با توجه به اینکه باج به هر شکل و شیوه ای که باشد، زور و ظلم است و خود قرآن ظلم را اساسا نفی می کند، آیا حکم قرآن در مورد گرفتن جزیه در تعارض با سایر احکام اسلامی نمی باشد؟
17. یکی از تبلیغات مسیحیان علیه اسلام این است که اساسا در دین نباید جهاد و قانون جنگ باشد، زیرا جنگ چیز بدی است و دین باید ضد جنگ باشد نه اینکه خودش قانون جنگ وضع کند، در حالی که اساسا یکی از فروع دین اسلام، جهاد است. این شبهه را چگونه پاسخ می دهید؟
18. آیا در جهاد اسلامی هرگونه تجاوز و تعدی جایز است؟ آیا کشتن زنان و مردانی که در جنگ شرکت نکرده اند و تخریب درختان و قنات ها جایز است یا نه؟
19. رابطه آزادی عقیده با جهاد چگونه است؟ اگر اسلام آزادی عقیده را قبول دارد پس چرا برای از بین بردن شرک جهاد را جایز می داند؟
20. آیا برای اینکه مسلمانان مجاز به جنگ برای رهایی و نجات مستضعفین باشند، لازم است خود مظلوم تقاضای کمک کند یا اینکه لزومی ندارد تقاضای کمک کند، همین قدر که در واقع آن مظلوم، مظلوم باشد باید مسلمانان برای برداشتن موانع سعادت آنان اقدام کنند؟
21. در آیه 39 سوره انفال خداوند متعال می فرماید: «با آنها بجنگید تا فتنه از میان برود»، منظور از فتنه چیست که تنها رفع آن فقط سبب برداشتن تکلیف جهاد از مسلمانان است؟
22. آیا قانون جهاد در اسلام با قاعده «لا اکراه فی الدین» در تعارض نمی باشد؟
23. بدون تردید، ماهیت جهاد از نظر اسلام، «دفاع» است، آنچه محل چالش و نزاع میان اندیشمندان اسلامی است، این است که دفاع از چه چیزی مورد نظر اسلام است و در چه مواردی دفاع جایز است؟
24. از دیدگاه اسلام جنگیدن به عنوان دفاع از حقوق انسانیت که جزء حقوق فرد و یا حقوق ملت خاص نیست، چه حکمی دارد، آیا مشروع است یا غیرمشروع؟
25. آیا جنگ برای آزادی دعوت و رفع موانع تبلیغ جایز است؟
26. آیا جنگ برای تحمیل ایمان و عقیده توحید و در یک کلام، مسلمان کردن ملل مشرک جایز است؟
27. جایگاه جهاد و رابطه آن با آزادی اجتماعی و آزادی معنوی چگونه است؟